

گفتگو

● گفتگو با محمود بهفروزی درباره سفرنامه پیترو دلاواله

(گفتگو با محمود بهروزی)

انگیزه شما از ترجمه کتاب «سفرنامه پیترودلاواله» چه بوده؟

چند سال قبل ترجمه‌ایی از سفرنامه پیترودلاواله به دستم رسید. من نیز مانند دیگر خوانندگان کتاب، مشتاق شدم که روند وقایع را دنبال کنم، چون کتاب در مرحله حساسی ناتمام مانده بود نیمه کاره رها شده بود، به ویژه آن که مترجم خبر تکمیل ترجمه کتاب را در داده بود. با اندک تحقیقی معلوم شد که اولاً متن اصلی شامل ۴ قسمت است که تنها بخشی آن به فارسی برگردانده شده و انتشار یافته است این چهار قسمت عبارتند از: آغاز حرکت سیاح از ایتالیا، تا رسیدن به ایران، بخش اول مربوط به ایران (همان قسمت که ترجمه شده است)، و بخش خروج از ایران تا رسیدن به ایتالیا، نزدیک سی سال می‌گذرد که مترجم بخش ایران کار ترجمه کل کتاب را ادامه نداده و از سوی دیگر چنین اثر ارزشمندی را نمی‌شد نادیده انگاشت، لذا در ابتدا به این فکر افتادم که حداقل ترجمه بخش ایران را کامل کنم ولی به توصیه بعضی از دوستان و همکاران و استادان به ویژه جناب آقای کامران فانی ترجمه کامل اثر را شروع کردم.

آیا به نظر شما لزومی برای ترجمه دو بخش قبل از ورود به ایران خروج از ایران وجود داشت؟

البته که وجود داشت، ببینید، وقتی پای تاریخ یک کشور در میان باشد، بی‌مناسبت نیست که بدانیم همزمان در دیگر نقاط دنیا چه می‌گذشت. مقایسه اوضاع اجتماعی، اجتماعی، فرهنگی



● محمود بهنروزی (عکس از علی دهباشی)

کشورها در یک برهه زمانی همیشه روشنگر و قابل توجه بوده است به عنوان مثال، باید دانست که وقتی در یک نقطه از دنیا مردم عصر نو سنگی را می گذرانند، در جایی دیگر مردم به عصر تاریخی رسیده بودند. این یک قاعده کلی است. به خصوص اگر در عصر تاریخی این مقایسه بین دو کشور همجوار باشد. اما در این مورد اهمیت قضیه فراتر از یک مقایسه ساده است. و چون در این برهه تاریخی در غرب رقابت شدیدی میان ایران و عثمانی جریان است و درک علل واقعی اختلافات، پیروزی ها و شکست ها نیاز به مقایسه اوضاع سیاسی و اجتماعی دو کشور دارد. در شرق و جنوب نیز وقایعی اتفاق می افتد که در رابطه با تاریخ ایران، است: مبارزه استعمارگران اروپایی (بویژه انگلستان، پرتغال و فرانسه در هند و آبنای گرم و جزایر جنوب ایران که به پیروزی استعمار انگلستان انجامید و پای این استعمار را به ایران باز کرد.

### در مورد خود شخصیت پیترو دلاواله بگویید؟

یک نجیب زاده؟ یک ماجراجو؟ یک مبلغ مذهبی؟ یک نویسنده توانا؟ یک جاسوس؟ یک محقق؟ شاید مجموعه ای از تمام این ها، یک نجیب زاده از اشراف بلند پایه رم، چنان که اعمال و رفتارش نشانگر آن است و همچون دیگر نجیب زادگان عصر قرون وسطایی، دلاور لامانچا را باید کاریکاتوری از آنها دانست. یک ماجراجو، به دلیل داشتن یک زندگی سراسر ماجرا که در

مقدمه کتاب به آن پرداخته‌ام: یک مبلغ مذهبی، چون همواره به تبلیغ مسیحیت کاتولیک می‌پردازد و گزارش سفر خود را به پاپ «اوربانو» هشتم می‌دهد و از سوی کرسی مقدس، سرپرست اعزام مبلغین مذهبی به شرق می‌شود؛ یک جاسوس از این جهت که به بررسی میزان توانمندی سپاه و استحکامات مناطق مختلف غیر مسیحی می‌پردازد؛ یک محقق به دلیل آن که در همه جا به جمع‌آوری نمونه‌های گیاهان دارویی، کتب ارزشمند دنیای شرق مشغول است و شاید دنباله‌رو فرستادگان قبلی کلیسای رُم چون برادران وکی یتی که قانون ابن‌سینا را به اروپا بردند و مدتها به تدریس آن پرداختند. در هر حال او اولین سیاحی است که به ایران آمده و سفرنامه‌ای از خود به جا گذاشته است.

### پیتر دلاواله در چه دوره‌ای به ایران آمد؟

سؤال جالبی است. چون مهم‌ترین ویژگی این سفرنامه، برهه زمانی آن است. عصر، عصر صفوی است، مهم‌ترین دوره صفوی را باید دوره سلطنت شاه عباس کبیر دانست و مهم‌ترین واقعه این دوره یکی نبرد عثمانی در شمال غرب و دیگری جنگ با پرتغالی‌های جنوب ایران است. در اوایل ورود سیاح به ایران جنگ با عثمانی در آذربایجان جریان دارد و او در اردوی شاهی در اردبیل حضور دارد. هنگام خروجش از جنوب ایران نیز مصادف است با جنگ ایران و پرتغالی‌ها و باز پس‌گیری گمبرون و جزایر جنوب.

### به نظر شما انگیزه سیاح یعنی آقای پیتر دلاواله چه بوده؟

در این مورد نمی‌توان با قاطعیت اظهار نظر کرد. آیا چنان که قبلاً گفتیم قصد سیاح جمع‌آوری نمونه‌های گیاهان دارویی بوده؟ آیا از سوی دربار پاپ وظیفه داشت کتب ارزشمند شرق را جمع‌آوری کند (خرید متن اصلی تورات که در دائرةالمعارف لاروس آمده است)؟ یا بررسی اوضاع و شرایط زندگی مسیحیان شرق؟ یا یک ماجراجویی صرف؟ خودش می‌گوید؛ حال که خداوند کشوری به من نداده است تا بر آن سلطنت کنم، زادگاهم را ترک می‌کنم تا مانند اسکندر! افتخاری برای خانواده‌ام به دست آورم. در مورد ورودش به ایران نیز می‌گوید: می‌روم تا در رکاب این پادشاه بزرگ (شاه عباس) با کفار (عثمانی‌ها) بجنگم که شاید از همان لاف و گزافه‌های خاص طبقه اشرافی او باشد. اما شکی نیست که در طول سفر از هیچ اقدامی برای جمع‌آوری اطلاعات، اسناد، آثار باستانی (سفر به بیابانهای مصر و خرید اجساد مومیایی) و قبول خطر فروگذار نمی‌کند بحث در این مورد خارج از حوصله این مصاحبه است ولی در مقدمه کتاب توضیح لازم داده شده است.



● پیتر دلاواله

### لطفاً از ویژگی‌های سفرنامه پیتر دلاواله بگوئید؟

پیتر دلاواله با نوشتن این سفرنامه، شهرتی جهانی پیدا کرد. کتاب در همان قرن هفدهم به چند زبان اروپایی ترجمه و منتشر شد. علت این شهرت را باید در سبک نگارش و دقت نویسنده و در عین حال نوع نگرش او به مسائل و حواشی دانست. ابنیه و آثار تاریخی با چنان دقت و جزئیاتی شرح داده شده‌اند که خواننده احساس می‌کند، خود ناظر صحنه‌هاست. او از اولین کسانی است که دومین هرم بزرگ مصر دیدن کرده است. بی‌مناسبت نیست یادآوری کنم که طی ده روز اقامت در قاهره خود بارها از این هرم که در حال حاضر امکاناتی برای بازدید سیاحان دارد (روشنایی برق، نصب نردبان‌هایی برای سرکشی به گوشه و کنارها و...) متوجه نکاتی نشدم که این سیاح در روشنایی شمع و نوعی کوهنوردی (به عبارت بهتر صخره‌نوردی) مشاهده کرده بود. به همین ترتیب در مورد دیگر اماکن. شاید بتوان گفت، اولین کسی است که سعی کرد رمز خط میخی را کشف کند و در شرحی که از تخت جمشید می‌دهد، این مطلب به وضوح مشهود است. در هر حال پیتر دلاواله شخصیت نادری است و به جرأت می‌توان گفت سفرنامه‌اش یک سر و گردن بالاتر از سفرنامه‌هایی است که دیگران نوشته‌اند. بیهوده نیست که نوعی «دلاواله‌شناسی» در اروپا وجود دارد.

## در ترجمه سفرنامه دلاواله با چه مشکلاتی رو به رو بودید؟

ببینید ترجمه صرف چندان اهمیتی ندارد. شما می‌توانید یک تاریخی و... را به راحتی ترجمه کنید ولی برای ترجمه چنین آثاری که با فرهنگ و تمدن و آداب و سنن دیرینه یک کشور پیوند دارد، علاوه بر ترجمه به نوعی تحقیق هم نیازمندید. خوشبختانه من اغلب مسیرهای پیترو دلاواله (مسیر اسکندریه قاهره، مالموکو از طریق سواحل یوگوسلاوی سابق تا یونان؛ مسیرهای سیاح در ترکیه امروزی و مسیرهای ایران) را هر چند با اختلاف زمانی فاحشی طی کرده‌ام و این اختلافات زمانی را تا حدودی وجود موزه‌ها و کتب موجود و نقشه‌های جغرافیایی کوتاه می‌کرد. از همه مهم‌تر، کسانی بودند که در این کار تسهیلاتی برایم فراهم کنند، از جمله گفتگوهایم با آقای پیه مونتسه به واقع کمک بزرگی بود.

## پس مشکل چندانى نداشتید؟

هر کاری مشکلات خاص خود را دارد، رفت و آمدهای مکرر و بی‌نتیجه‌ام به سفارت هندوستان برای دریافت نقشه‌های جغرافیایی اوایل قرن هفدهم هند، مکاتبات با آقای گرنی دلاواله شناس معروف انگلیسی، با ایتالیا و... به هر حال اگر بخواهید کاری ارائه دهید باید مشکلاتش را هم بپذیرید. همت اولیه مهم است.

۱۳۳

آیا علاقه خاصی دارید که کتابهای مفصل و پرحجم را ترجمه کنید، چون گویا یک تاریخ عمومی حدوداً ده جلدی را هم ترجمه کرده‌اید که تاکنون منتشر نشده است. نمی‌شود گفت علاقه خاص، ولی به هر حال یک نفر باید همت می‌کرد. اصولاً ترجمه کتاب‌های پرحجم به صورت گروهی انجام می‌شود ولی باید پذیرفت که در این صورت یکدستی و یکنواختی اثر از بین می‌رود و از این رو من بیشتر ترجیح می‌دهم کارم با سلیقه خودم باشد و خودم جوابگویش باشم. اما در مورد این گونه آثار مفصل مشکل دیگری هم وجود دارد.

## چه مشکلی؟

ببینید، شما اثری ارزشمند را پیدا می‌کنید، چندین سال روی آن وقت می‌گذارید بعد به دلیل سرمایه‌بری بالا، هیچ ناشری جزأت انتشار آن را پیدا نمی‌کند و شما می‌مانید و بیست هزار صفحه کاغذ سیاه کرده که گاه در خلوت خود کلاهتان را قاضی می‌کنید و می‌گویید حیف آن عمر و چشم و وقت نبود؟ امروزه کمتر کسی مانند آقای مهندس فیاضی را پیدا می‌کنید که با هدف واقعی فرهنگی حاضر شود روی چنین آثاری ارزشمند برای ایران‌شناسان سرمایه‌گذاری کند.



● پیترو دلاواله

۱۳۴

در حال حاضر به چه کاری مشغولید؟ باز هم یک کتاب مفصل؟  
بله! یک دائرةالمعارف تاریخ عمومی جهان، از آغاز تا سال ۱۹۷۰ میلادی - که اگر خدا مدد  
بدهد و وزارت ارشاد یآوری کند، کتاب جالبی خواهد شد وگرنه کاغذ سیاه است که گفتم.

گویا اسم شما هم جزو دلاواله شناسان آمده است؟  
نه به آن معنی، ولی پرفسور پیه مونتسه می دانستند من در کار ترجمه این کتاب هستم، ظاهراً  
نام مرا هم برای این انجمن فرستادند.

نشر قطره منتشر کرده است

معرفی و شناخت **سهراب سپهری**

شهناز مرادی کوچی